**برخي راي مي‌دهند، برخي هم تقلب مي‌کنند**

**نوشته: لوئيس آلبرتو ريگادا برگردان عبدالوهاب فخرياسري**

* *چرا فيلم مي‌گيري؟*
* *براي اين که برگه راي من در اين صندوق است. و اين کاري که مي‌کني غيرقانوني است: داري پاکت‌ها را باز مي‌کني و همه آن‌ها بايد دوباره شمارش شوند!*

در مستندي برگرفته از بيش از سه هزار ساعت ويديوي آماتور (نيرنگ، مکزيکو ٢٠٠٦، پخش در سال ٢٠٠٧)، لوئيس ماندوکي پرده از نيرنگ‌هاي بسياري برمي‌دارد که انتخابات سال ٢٠٠٦ رياست جمهوري مکزيک آلوده بدان‌هاست(١). و تمام آن‌ها براي قرار دادن مانع بر سر راه آندرس مانوئل لوپز («آملو») از حزب انقلاب دموکراتيک (چپ ميانه) بود.

ماه‌ها پيش از انتخابات، ضربات پي در پي رسانه‌ها شروع شد. آملو نه تنها بايد حملات مخالفين‌اش در حزب انقلاب قوانين اساسي (راست ميانه) و حزب اقدام ملي (راست) را تحمل کند، بلکه بالاسري‌هاي حزب خودش هم به همان اندازه به او مي‌تاختند. شوراي هماهنگي موسسات -چيزي شبيه به اتحاديه صاحبکاران فرانسه (Medef)-، با برنامه‌هايي شبيه به آگهي‌هاي بازرگاني که به صورت گسترده‌اي توسط دو گروه رسانه‌اي عمده تله‌ويستا و تي‌وي آزتکا پخش مي‌شد، حمله به شهردار سابق را کم و بيش آغاز کرد. «*اگر لوپز اوبرادور رئيس جمهور شود، بايد منتظر چيزهاي بدتري باشيم، چيزهايي مانند بحران اقتصادي، گراني، بيکاري. (...) ممکن است خانه و کار خود را نيز از دست بدهيد... به نفع بحران راي ندهيد.*» کنفدراسيون کارفرمايان (Coparmex) نيز به نوبه خود در ويديوهايي با تصاوير نامزد حزب انقلاب دموکراتيک همراه با تصوير هوگو چاوز رئيس جمهور ونزوئلا، در فضاي ترس از خشونت، مترسک انقلاب بوليواري را تکان مي‌داد.

دوم ژوئيه ٢٠٠٦، ٤١ ميليون تن از اهالي مکزيک به پاي صندوق‌هاي راي رفتند، که البته بدون مشکل هم نبود. نام هزاران تن از فهرست‌هاي اسامي انتخاب‌کنندگان خط زده شده بود و نمي‌توانستند از حق راي دادن خود بهره گيرند. «*اين نيرنگ است! من ثبت نام کرده‌ام، ولي اسم‌ام در فهرست ثبت نام کنندگان نيست و نمي‌توانم راي دهم.*» يکي از اهالي پايتخت، با عصبانيت و بغض در برابر دوربين گفت، «*انستتو انتخابات فدرال کلي پول از ما گرفت، ولي همه‌اش حقه‌بازي بود: مي‌خواهد [فيليپ] کالدرون را به ما تحميل کنند*» و سپس با اشاره به نامزد حزب اقدام ملي پيش از پايان راي‌گيري اضافه کرد: «*همه چيز از پيش برنامه‌ريزي شده!*»

چند هفته پيش از آن، روزنامه‌نگاران اين راز را برملا کردند که انستيتو انتخابات فدرال مديريت پايگاه داده‌هاي انتخابات را به موسسه‌اي نزديک به دولت (با حدود ١٥٠ ميليون دلار قرارداد امضا شده بين ٢٠٠٢ و ٢٠٠٥) و متعلق به شوهر خواهر کالدرون سپرده بود. نقش ابهام‌برانگيز سازماني که قرار بود سازمان‌دهي و داوري در مورد انتخابات را بر عهده گيرد زماني، در ساعت ١١ شب، مشخص شد که رئيس آن لوئيس کارلوس اوگالد اعلام کرد بين دو نامزد اصلي -آقايان کالدرون و لوپز اوبرادور- هنوز آن قدر به هم نزديک‌اند که تعيين نام برنده انتخابات ممکن نيست. خاطره‌اي بد در ذهن شماري از مکزيکي‌ها زنده شد: خاطره انتخابات رياست جمهوري سال ١٩٨٨ که در آن اتحاد چپ در پي «*اشکال در سيستم کامپيوتر*» که اعلام نتايج را به مدت يک هفته به تاخير انداخت -زماني که طي آن همه چيز مي‌تواند تغيير کند- از پيروزي در انتخابات محروم شد.

در سال ٢٠٠٦، اين حالت تعليق چند روز به درازا کشيد و در آن مدت نمايندگان حزب انقلاب قوانين اساسي و حزب انقلاب دموکراتيک دست به تقلب زدند: گزارش تقلب از بيش از نيمي از ١٣٠٠٠٠ صندوق راي خود نشان دهنده بي‌نظمي‌ها بود(٢). يک نمونه آن توسط نماينده حزب انقلاب دموکراتيک در تلويزيون مطرح شد: «*در بخش يازدهم، در استان Nuevo León، در حوزه شماره ٣٩٧، طبق مفاد صورتجلسه اعلام شد ٩٦١ راي به صندوق ريخته شده (...) موضوع کاملا طبيعي به نظر مي‌رسد، حال آن که در اين حوزه تنها از ٧٦٠ برگ راي استفاده شده است. آن وقت مي‌بينيم که [کالدرون] هم به تنهايي ٧٨٦ راي آورده. با اين حال، اين نتيجه به روشني غيرقانوني کاملا با آن چه که در فهرست اسامي راي دهندگان ثبت شده آمده مي‌خواند*.»

در عمل در حوزه‌ها نيز نمايندگان حزب انقلاب دموکراتيک در برابر مخالفين که -با يک اکثريت نسبي- تمام اعتراضات به ناهنجاري‌ها در شمارش و شمارش مجدد آرا را به هيچ مي‌گرفتند تنها بودند. شکستن مهر و موم‌ها، باطل کردن آراء بدون عيب و نقص، گزارشات با نرخ حضور بيش از ٣٣%، صندوق‌هاي پرشده از برگ‌هاي راي... بسياري از صحنه‌هاي مضحک راي‌گيري فيلم‌برداري کردند. مثلا، در بخش دوازدهم از منطقه وراکروز، يک مسئول حوزه اشاره کرد: «*کاملا معلوم بود که اين برگه‌هاي راي همان برگه‌هايي نبودند که مردم راي‌هاي خود را در روز راي‌گيري بر روي آن‌ها نوشتند، چون اصلا تا و چروک نداشتند و از راهش وارد صندوق نشده بودند.*»

لوئيس موشان، پژوهشگر دانشگاه ملي خودمختار مکزيک مي‌گويد، در مجموع، يک و نيم ميليون راي «معلوم نيست از کجا پيدا شدند يا گم و گور شدند». بعدا، پس از چهار روز تنش طاقت‌فرسا و اعلام رسمي شکست آملو از سوي انستيتو انتخابات فدرال، وي اذعان کرد که، «ما *استراتژي تشويق به مشارکت را داشتيم، اما هيچ به فکر دفاع از نتايچ انتخابات نبوديم. غفلت از ما بود*». کالدرون با ٨٩/٣٥% آرا، که به سختي ٥٨/٠ امتياز جلوتر از رقيب بود، برنده اعلام شد.

به مدت چندين ماه، بخشي از مرکز پايتخت در اشغال طرفداران حزب انقلاب دموکراتيک– که تا به دو ميليون نفر هم مي‌رسيد- بود که خواهان بازشماري «*آرا، برگه به برگه و حوزه به حوزه*» بودند. شکايتي تسليم دادگاه انتخابات شد که با بررسي دوباره تمام آرا مخالفت کرد: «*اگر درست باشد که در برخي بخش‌ها مهر و موم صندوق‌هاي راي‌گيري شکسته و برخي صندوق‌ها کاملا باز شد‌اند، باز هم اين لزوما به معناي دست بردن [در برگه‌هاي راي] نيست. (...) هر چيزي هم که ديده باشيم، باز هم اجازه نداريم اين طور نتيجه‌گيري کنيم که اين آفات در کل انتخابات وجود داشتند*» (راي ٥ سپتامبر ٢٠٠٦). در اوايل سپتامبر، قضات دادگاه صحت انتخاب کالدرون را تاييد کردند.

شش سال بعد، حزب انقلاب دموکراتيک مي‌داند که، به خاطر سرخوردگي‌هاي حاصل از دو دوره شش ساله گذشته، شانس اندکي براي پيروزي در انتخابات دارد. در راس جنبش ترقي‌خواه، آملو قصد دارد يک بار ديگر شانس خود را، به ويژه، در برابر نامزد حزب انقلاب قوانين اساسي، انريک پنيا نيتو، بيازمايد. وي با لبخندي معصومانه، موهاي روغن زده، و ازدواج اخيرش با ستاره دلفريب سريال‌هاي تلويزيوني، مي‌خواهد لکه فساد را از حزب قديمي انقلاب قوانين اساسي و پرچم سررنگ آن بزدايد. در حالي که دل به سخاوتمندي رسانه‌هاي عظيم بسته (مقاله بالا را بخوانيد)، آملو او را زير باران حملات‌اش گرفته و از او چهره‌اي ضددموکرات نشان مي‌دهد. در برخي گزارشات، که با مهارت تمام تهيه شده، به نحوي اين کلام را بر زبان آورده که حاضر است به زور اسلحه هم که شده به قدرت برسد.

در سال ٢٠١٢، جنگ‌ارتباطي ديگر تنها در رسانه‌ها نبود، بلکه اين بار اينترنت نيز به کمک دو طرف آمده بود. مثلا، در يکي از سي هزار حساب جعلي تويتر در خدمت ارتباطات انريک پنيا نيتو آمد، «*هر چه اوبرادور در نظرسنجي‌ها بالاتر مي‌رود، ارزش پول بيشتر کاهش مي‌يابد*»(٣). شگردهاي قديمي تقلب انتخاباتي و راي جمع کني کنار گذاشته نشدند. حزب، با سوءاستفاده از فقر بخش بزرگي از مردم، برنامه خريد آرا را به راه انداخت که بعدها نام «Sorianagate»(٤)، برگرفته از نام تجاري يک شرکت پخش، را بر آن نهادند. در آخرين ماه‌هاي پيش از انتخابات، در برخي از استان‌ها، که حزب انقلاب قوانين اساسي در آن‌ها دست بالا داشت، از محل منابع مالي عمومي، بسته‌هاي غذا براي فقيرترين مردم از هيپرمارکت‌هاي زنجيره‌اي سوريانا خريداري شد و، به اين ترتيب، سود کلاني، از جيب ماليات‌دهندگان، نصيب آن‌ها کرد. برآورد هزينه اين پروژه: ٤٤٠ ميليون دلار(٥).

در گام دوم، هزاران کيف پول الکترونيک سوريانا با تعهد به حمايت يا حتي کارت‌هاي آرا مبادله شد، با اين قول و قرار که تسويه (بين ٢٠ تا ٤٠ دلار) در روز راي‌گيري و در صورت موفقيت انريک پنيا نيتو صورت خواهد گرفت. يکي از اهالي مکزيک در کانال Telesur (اخبار تلويزيون در ٤ ژوئيه ٢٠١٢) چنين گفت، «*اين کارت‌را يکشنبه صبح، پيش از آن که به محل راي‌گيري بروم، به من دادند و در عوض از من خواستند به حزب انقلاب* قوانين اساسي *راي بدهم.*» شاهدان در شبکه‌هاي اجتماعي و شبکه‌هاي اطلاعات خارجي بسيار بودند. مخالفان انريک پنيا نيتو «*خريد گسترده آرا*»(٦) را تقبيح کردند.

Sorianagate تنها قله کوه يخي است که تامين مالي غيرقانوني مبارزات انتخاباتي نه تنها با مداخله گروه مالي Monex و Odebrecht، غول ساختمان‌سازي و جاده‌سازي، بلکه همچنين با مشارکت مستقيم کارتل‌هاي مواد مخدر را برملا مي‌سازد (٧). به اين ترتيب، مبارزه انتخاباتي هاليوودي حزب انقلاب قوانين اساسي با هزينه‌اي فراتر از ٣٤٠ ميليون دلار (يعني ده برابر سقف هزينه‌اي که قانون مقرر کرده)، ديگر شانسي براي رقبا باقي نمي‌گذارد. در يکشنبه اول ژوئيه ٢٠١٢، پس از يک روز حرکت و تلاش بسيار، آقاي پنيا نيتو در صدر نتايج جاي گرفت: سازمان‌هاي مدني بيش از يک هزار مورد خلاف را آشکار کردند- دزديدن صندوق‌هاي آرا، بازداشت اعضاي حوزه‌هاي راي‌گيري، تيراندازي‌ها... با اين حال، والدس زوريتا، رئيس انستيتو انتخابات فدرال همان شب در تلويزيون اعلام کرد که کشور «*انتخاباتي نمونه، مشارکتي، آرام و حقيقتا استثنايي*» را پشت سر گذاشته است.

پنج روز طول کشيد که انستيتو نتايج را به طور رسمي تاييد و پيروزي نامزد خوش‌سيماي تلويزيوني را با ٣٨% آرا و موافقت هيئت نمايندگان ناظر سازمان کشورهاي آمريکا را اعلام کند. بنا بر برآورد آقاي لوپز اوبرادور، با شش دهم درصد کمتر، ميليون‌ها راي خريداري شده بود: او پروژه «*تبهکاري سازمان‌يافته انتخاباتي*(٨)» را تقبيح کرد. يک بار ديگر، شکايت‌هاي حزب‌اش بي‌نتيجه ماند. دادگاه انتخابات به اين نتيجه رسيد که بي‌قانوني‌هاي مشاهده شده در انتخابات آن چنان نبودند که اعتبار آن را به زير سوال برند و، در اواخر اوت، صحت و قانوني بودن فراينده انتخابات و پيروزي حزب انقلاب قوانين اساسي را تاييد نمود. انستيتو انتخابات فدرال نيز، به بهانه هزينه گزاف بايگاني، خواهان از بين بردن برگه‌هاي آراي مورد استفاده در انتخابات‌هاي ٢٠١٢ و ٢٠٠٦ شد...

در ژوئن ٢٠١٧، آلفردو دل مازو مازا، پسر عموي پنيا نيتو، در انتخابات فرمانداري استان مکزيکو در برابر خانم دلفينا گومز آلوارز، رهبر محلي حزب آقاي لوپز اوبرادور، پيروز شد. اين آدم حزب انقلاب قوانين اساسي، براي زدن نامزدي در موقعيت بهتر، ناچار شده يک بار ديگر با بهره‌گيري از مجموعه‌اي از روش‌هاي مورد استفاده در سال‌هاي ٢٠٠٦ و ٢٠١٢ دست به تقلب بزند(٩). با اين حال، آملو اعلام کرده که بار ديگر در انتخابات رياست جمهوري ٢٠١٨ شرکت خواهد کرد...

١- یا، می‌توان گفت، نقل‌قول‌های پایین برگرفته از همین فیلم‌اند.

٢-

John M. Ackerman (sous la dir. de), *Más allá del acceso a la información. Transparencia, rendición de cuentas y Estado de derecho,* Siglo XXI, Mexico, 2008

٣-

Jordan Robertson, Michael Riley et Andrew Willis, « How to hack an election », *Bloomberg Businessweek*, New York, 31 mai 2016.

٤- در اشاره به رسوایی واترگیت که موجب سقوط ریچارد نیکسون، رئیس جمهمور آمریکا، در سال 1974 شد.

٥-

« Estados compraron $ miles de millones a Soriana en despensas », 6 juillet 2012, <http://aristeguinoticias.com>

٦-

« Repudian en 16 estados la “compra masiva de votos” a favor del PRI », *La Jornada*, Mexico, 8 juillet 2012.

٧-

« Cártel de Juárez, proveedor del PRI y financiador en la campaña de Peña Nieto (Reportaje especial) », 16 mars 2016, <http://aristeguinoticias.com>

٨-

**Luís Prados, « López Obrador acusa al PRI de comprar cinco millones de votos », *El País,* Madrid, 9 juillet 2012**

٩-

Pedro Miguel, « Fraude », *La Jornada,* 6 juin 2017.

انسان شناسی و فرهنگ ناشر نسخه فارسی لوموند دیپلماتیک در ایران است

لوموند دیپلماتیک نوامبر 2017